

Revolution Studies
Vol.01, No.02, Autumn & Winter 2023-24 (Serial 2)

Investigating the Managerial Role of Marziyeh Dabbagh in the Field of Culture of Sacrifice and Martyrdom (Case Study: Spiritual Management)

Zahra Heydari¹
Zainab Heydari²
Nahid Heydari³

Doi: 10.22034/fademo.2024.451944.1037

Abstract

The main purpose of the present research is to investigate the managerial role of Ms. Marzieh Hadidchi "Dabagh" in the field of the culture of sacrifice and martyrdom before and after the Islamic Revolution, with a case study of her spiritual management. In this research, qualitative method and documentary analysis have been used to achieve the goal. The research tools include books, historical works and texts, documents, interviews, and digital sources. The research results show that Ms. Dabagh, both before and after the victory of the revolution, following the example of the prominent women of Islam, especially Hazrat Zahra (SA) and Zainab (SA), had an active managerial role in various fields, especially in the spiritual domain. However, the most important direct activities in the spiritual aspect of the culture before the revolution included: holding Quran and interpretation classes, various connections with academic centers, efforts for the promotion and honoring of martyrs, promotion of Hajj rituals, and after the Islamic Revolution included: emotional and moral guidance, encouragement of individuals to participate in the front lines, performing charitable and humanitarian activities. The research findings indicate that Ms. Dabagh, in her managerial role, exemplified a prominent figure of sacrifice and a model of a revolutionary and combatant woman, showing that Iranian women in the contemporary history of this country have played a significant role in the struggle against domestic tyranny, foreign colonization, and the process of the victory and continuity of the Islamic Revolution.

Keywords: Spiritual management, culture of sacrifice and martyrdom, Islamic revolution, role and model, Marziyeh Dabbagh.

1. PhD in Islamic Revolution Political Studies, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran. (Corresponding author) z.haydari70@gmail.com

2. Fars province education department lecturer. z.heydari66@yahoo.com

3. Master of Science in Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan – Iran. nahidheydari20@yahoo.com

Received: 23/12/2023

Approved: 01/03/2024

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

بررسی نقش مدیریتی خانم مرضیه دباغ در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت (مطالعه موردی: مدیریت معنوی)

زهره حیدری^۱

Doi: 10.22034/fademo.2024.451944.1037

زینب حیدری^۲

ناهید حیدری^۳

چکیده: هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش مدیریتی خانم مرضیه حدیدیچی «دباغ» در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت قبل و بعد از انقلاب اسلامی، با مطالعه موردی مدیریت معنوی ایشان است. فرهنگ ایثار و شهادت در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این فرهنگ ضامن بقای اسلام و بال‌سرخ عاشورایی تشیع، نماد مبارزه علیه ظلم و فساد برای تمامی جهانیان است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) نیز با الگوگیری از این حرکت عظیم به پیروزی رسید. در این پژوهش برای نیل به هدف، از روش کیفی و از نوع تحلیل اسنادی استفاده شده است. ابزار پژوهش شامل کتب، آثار و متون تاریخی، اسناد، مصاحبه، منابع دیجیتال است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خانم مرضیه دباغ هم قبل و هم بعد از پیروزی انقلاب، با الگوگیری از زنان صدر اسلام به‌ویژه حضرت زهرا (س) و زینب (س)، در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه معنوی، نقش مدیریتی فعالی داشتند؛ اما مهم‌ترین بخش‌هایی که به‌طور مستقیم در بعد معنوی فرهنگ فعالیت داشتند، قبل از انقلاب شامل: برگزاری کلاس‌های قرآن و تفسیر، ارتباط مختلف با مراکز دانشگاهی، تلاش جهت تبلیغ و تکریم مقام شهدا، تبلیغات مربوط به مناسک حج است. بعد از انقلاب اسلامی شامل: هدایت و راهنمایی عاطفی و اخلاقی، تشویق افراد برای حضور در جبهه، انجام کارهای خیر و انسان‌دوستانه و غیره است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که خانم دباغ در نقش مدیریتی خود، نمونه بارزی از شخصیت ایثارگر و الگوی زن مبارز و انقلابی را به نمایش گذاشتند، نشان دادند که زن ایرانی در تاریخ معاصر این کشور با مدیریت معنوی خود نقش به‌سزایی در مبارزه علیه استبداد داخلی، استعمار خارجی و فرآیند پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی داشته است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت معنوی، فرهنگ ایثار و شهادت، انقلاب اسلامی، مرضیه دباغ.

۱. دکتری تخصصی رشته‌ی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

z.haydari70@gmail.com

(نویسنده مسئول)

z.heydari66@yahoo.com

۲. مدرس گروه معارف استان فارس، ایران.

۳. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، ایران.

nahidheydari20@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال اول، شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۲ | صفحات ۲۶۰-۲۳۱

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

مقدمه

همان‌طور که بالاترین جهاد، جهاد با نفس است؛ مدیریت معنوی نیز بالاترین نوع مدیریت موفق است. لذا مدیریت معنوی سبب الهام بخشی از طریق بینش متعالی و فرهنگی بر مبنای ارزش‌های نوع‌دوستانه باهدف پرورش نیروهای انسانی بانگیزه، متعهد و کارآمد است. الگوی انگیزه درونی مبتنی بر بینش و بصیرت، ایمان و امید، عشق به نوع‌دوستی، معنویت محیط کاری، سعادت و بقای معنوی را با یکدیگر تلفیق و ترکیب می‌کند. درواقع اهمیت مدیریت معنوی چنان است که برای همه نهادها، انسانیت؛ برای اجتماع، فعالیت؛ برای محیط، مسئولیت را به همراه دارد (رنج دوست، ۱۴۰۰، صص. ۲۲-۱۲). ازجمله شاخصه‌های این نوع از مدیریت شامل: مدیریت برای خدا، مدیریت ولایتی، انعطاف‌پذیری ساختار و تشکیلات مناسب با شرایط، مدیریت داوطلبانه و تحول‌آفرین، توجه به سرمایه انسانی، مدیریت مشارکت‌پذیر، نهادینه کردن، اخلاق و ارزش‌های دینی در محیط کار و مدیریت قناعتی است، Muwahed (2007, p. 121). به‌نوعی خادم و خدمتگزار بودن، اسوه حسنه بودن، عمل‌گرایی و دیگران را دیدن است.

از آنجاکه فرهنگ ایثار و شهادت، یکی از ذخایر غنی فرهنگ جامعه ما است که از نسیم روح‌بخش اسلام برخواسته است؛ خانم دباغ به همراه دیگر مبارزان تلاش کردند تا با ایفای نقش فعال در این حوزه فرهنگی و به‌ویژه با مدیریت معنوی خود به مقابله با رژیم فاسد پهلوی بپردازند؛ برای اینکه بتوانند از ارزش‌های اسلامی و خون شهیدان پاسداری کنند. ایشان قبل و بعد از انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور، در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت به‌ویژه در حوزه مدیریت معنوی فعالیت داشتند. قبل از انقلاب ازجمله این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: کسب علم و دانش از محضر اساتید برجسته، برگزاری کلاس‌های قرآن و تفسیر، حضور در عرصه‌های تبلیغ و تکریم مقام شهیدان و غیره بود. بعد از انقلاب نیز اولین فعالیت ایشان در شکل فرهنگی است؛ که همان تشکیل و عضویت در کمیته انقلاب اسلامی است. هدایت و راهنمایی عاطفی و اخلاقی افراد، احراز نقش‌هایی چون: مسئولیت بسیج خواهران کل کشور، تأسیس مؤسسه‌ی فرهنگی رایحه فاطمه (س) و غیره است. ایشان توانستند با حضور در این عرصه‌ها و با مدیریت معنوی خود ذهنیت افراد را هدایت کنند، جامعه را از افتادن به دام فساد

۲۳۲

و انحراف نجات دهند تا بتوانند آرمان‌های حضرت امام (ره) و انقلاب را برای جایگزینی اسلام ناب محمدی به‌جای فرهنگ مبتذل غربی و پهلوی ترویج دهند. در این پژوهش به این سؤال اصلی پاسخ داده خواهد شد که نقش خانم دباغ در حوزه مدیریت معنوی و در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چیست؟ به لحاظ نوآوری این پژوهش از نظر موضوعی و محتوایی کاری جدید است، چراکه قبلاً پژوهشی در ارتباط با بخش مدیریت معنوی خانم دباغ انجام نگرفته است؛ به لحاظ محتوایی نیز یافته‌های پژوهشی که اثبات‌کننده نقش مدیریتی موفق خانم دباغ در حوزه معنویات است کاری جدید است، به‌ویژه در شرایط کنونی که بحث حقوق زن در ارتباط با اسلام و ارزش‌های معنوی مطرح است ضرورت پرداختن به این مباحث را نشان می‌دهد.

۱. پیشینه پژوهش

از آنجا که بررسی پیشینه پژوهش کمک می‌کند تا محقق بتواند با مطالعه آثار دیگران در کار خود نوآوری داشته باشد و از تکرار بپرهیزد؛ در مقاله حاضر به‌منظور افزایش کیفیت پژوهش پیشینه آثار مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدول شماره ۱- پیشینه پژوهش

محتوی / مسئله مورد بررسی	عنوان اثر	سال نشر	نویسنده / نویسندگان
این کتاب به بیان خاطرات و مبارزات خانم دباغ پرداخته است.	پرواز با نور دو روایت از زندگی خانم مرضیه حدیدچی (دباغ) خاطرات و مبارزات	۱۳۸۵	عالیه شفیعی
در این کتاب خاطرات خانم دباغ از کودکی تا زمان پیروزی انقلاب و بعد از آن نوشته شده است.	کتاب خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)	۱۳۸۷	محسن کاظمی
کتاب حاضر نقش خانم دباغ را در عرصه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی فرهنگ ایثار و شهادت بررسی کرده است.	کتاب نقش خانم مرضیه دباغ در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت	۱۳۹۳	زاهد غفاری هشجین و زهرا حیدری
کتاب حاضر در چارچوب خاطره‌نویسی به بررسی بخشی از زندگی «مرضیه حدیدچی» (دباغ) پرداخته است.	زنی از تبار الوند: گذری بر سفر خانم دباغ به شوروی سابق و ابلاغ پیام حضرت امام (ره)	۱۳۹۲	فاطمه احمدوند، مونا اسکندری

ادامه جدول شماره ۱- پیشینه پژوهش

محتوی / مسئله مورد بررسی	عنوان اثر	سال نشر	نویسنده / نویسندگان
این کتاب سرگذشت نامه خانم مرضیه حدیدچی (دباغ) است که نماد زن مبارز، انقلابی و مسلمان ایرانی به شمار می‌آید.	خواهر طاهره: خاطرات خانم مرضیه حدیدچی (دباغ)	۱۳۸۷	رضا رئیسی
پسش اصلی مقاله این است: عاملیت فردی و شرایط زیسته در حیات سیاسی مرضیه حدیدچی چه تأثیری داشت؟ بر مطالعه موردی بر زندگی و مناسبات پیچیده مرضیه حدیدچی تمرکز دارد.	واکاوی تجربه زیسته مرضیه حدیدچی دباغ و نقش عاملیت فردی او در کنشگری سیاسی نظامی	۱۴۰۰	سمیه بهادری فر، رحیم خستو، مجید توسلی، احمد ساعی.
تفاوت پژوهش حاضر با سایر کارهای انجام شده در این است که تاکنون هیچ پژوهشی با موضوع بررسی نقش مدیریت معنوی خانم مرضیه دباغ انجام نگرفته است دوم، به لحاظ محتوایی نیز اکثر پژوهش‌های پیشین به صورت بیان خاطرات است و تاکنون به این شکل کاری انجام نگرفته است. لذا این پژوهش می‌تواند در آینده به محققان جهت مطالعات زنان مبارز در عرصه مدیریت معنوی کمک کند و نقش مدیریت معنوی خانم دباغ را به عنوان یک نقش الگویی به زنان جهان اسلام معرفی کند.			

(منبع: نگارنده)

نقش مدیریتی: از دیدگاه مینتزرگ نقش‌های مدیریتی^۱ به سه گروه عمده شامل نقش‌های متقابل شخصی، اطلاعاتی و تصمیم‌گیری تقسیم می‌شوند (Mintzberg, 2004, p. 464). در این پژوهش نیز نقش مدیریتی خانم مرضیه دباغ در عرصه معنوی در چارچوب این سه بعد بررسی شده است.

مدیریت معنوی: فرآیند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی یا معنوی در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف نهادی و بر اساس نظام ارزشی موردقبول صورت می‌گیرد. از آنجاکه علم اخلاق در تمامی عرصه‌های مدیریت قابل استفاده است به طوری که رفتارهای افراد ناشی از ویژگی اخلاقی آنان است (رنج دوست، ۱۴۰۰، صص. ۲۳-۱۲). لذا مدیریت معنوی که در راستای

1. Managerial role

تعالی خواهی انسان بر محور اسلامی است، جایگاه مهمی می‌یابد که خانم دباغ به‌عنوان یک زن قهرمان و ایثارگر به چه شکلی در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت مقوله مدیریت معنوی را به‌عنوان یک بعد مهمی از هدایت اخلاقی و ارزشی در ارتباط با خود و دیگران انجام می‌دادند. در این پژوهش دیدگاه قرآن کریم در مورد نقش مدیریت معنوی زنان اسوه و الگو، به‌عنوان مبانی نظری بررسی خواهد شد. دلیل استفاده از این چارچوب نظری، تشابه ویژگی‌ها و شرایط اسوه‌های غیر معصوم و نقش الگویی آن‌ها برای خانم مرضیه دباغ است که در سخت‌ترین شرایط با مدیریت معنوی خود، در راه عقیده و آرمان خود مبارزه کردند، در تاریخ اسوه الگوی زنان مسلمان جهان شدند.

۲. دیدگاه قرآن کریم در مورد نقش مدیریت معنوی زنان اسوه و الگو

۲-۱. اسوه و الگو در آیات، روایات و احادیث

بشر در زندگی خویش پیوسته به دنبال یافتن الگوهای کمال‌یافته‌ای است در جنبه‌های مختلف معنوی و ظاهری که پله‌های ترقی را طی کرده‌اند؛ تا او نیز با الگوگیری از رفتار، گفتار و کردار آن‌ها بتواند به کمال مطلوب برسد (اعتماد و ذوالفقاری، ۱۳۹۳). از نظر قرآن کریم اگر انسانی وارسته شد الگوی دیگر انسان‌هاست. اگر مرد است الگوی مردم است نه مردان و اگر زن است باز الگوی مردم است نه زنان (ندا، ۱۳۶۹، ص. ۱).

۲۳۵

۲-۱-۱. اسوه‌های معصوم و غیر معصوم در حوزه مدیریت معنوی

یکی از تقسیم‌بندی‌های مطرح درباره‌ی اسوه‌های قرآنی، تقسیم آن‌ها به چهره‌های معصوم و غیر معصوم است. با این دسته‌بندی، آن دسته از الگوهای قرآنی و نمونه‌های انسانی که از جانب خداوند به جایگاه نبوت، رسالت، امامت رسیده‌اند از یک طرف؛ اسوه‌هایی که به هیچ‌کدام از این درجات نائل نشده‌اند، اما با پیروی محض تعالیم انبیا، مسیر تعالی را طی کرده‌اند، با مدیریت موفق معنوی خود در راه ترویج آن تعالیم کوشیده‌اند، در طرف دیگر قرار می‌گیرند (عباسی مقدم، ۱۳۶۹، ص. ۶۲).

۲-۱-۲. نقش اسوه‌های غیر معصوم در حوزه مدیریت معنوی

بی‌شک معرفی الگوهای معصوم و اسوه‌های عاری از هرگونه خطا و اشتباه به جامعه بشری؛ موجب بسط فرهنگ خدامحوری، اخلاق حسنه و شرک ستیزی است، زیرا با توجه به درستی تمامی کردارها و گفتارهای ایشان در زندگی اجتماعی و فردی و درزمینه ترویج دین، همه انسان‌ها به دلیل اعتماد کامل به حقانیت دعوتشان، با خاطری آسوده و به آن‌ها پایبند می‌شوند (احمدی و قربان‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۴۳). اما بحث بر سر اسوه‌های غیر معصوم است که احتمال خطا و اشتباه از طرف آنان می‌رود؛ همین مسئله می‌تواند سبب بی‌اعتمادی شده و مانع پیروی انسان‌ها شود. به عبارتی، هرچند انسان‌ها حیات طیبه معصوم (ع) را به‌عنوان الگوی مطلق خود می‌دانند، اما چون خود را در جایگاه پایین کمال می‌بینند از پیروی آن‌ها واهمه دارند. به همین خاطر به دنبال الگوهایی هستند که قرابت و همسانی بیشتری با شرایط عادی آنان داشته باشند (عباسی مقدم، ۱۳۷۹، ص. ۶۳ فرهنگ‌ی و دین‌پرور، ۱۳۹۲، ص. ۵۶).

در کتاب قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که ویژگی‌های انسان‌های نمونه را به جامعه معرفی می‌کند، انسان‌هایی برخوردار از ویژگی تعقل و تفکر، حیا و عفت، صبر و استقامت، اخلاص و صداقت، ایمان و معنویت، پاک‌دامنی و طهارت و دیگر صفات کمالی (بهرامی و شفیعی دارابی، ۱۳۹۵، ص. ۵۴) و (حیدری و ستوده، ۱۳۹۱، ص. ۷۶). در معرفی ملکه عفاف، قرآن کریم، هم از مرد و هم از زن تمثیل می‌آورد، مانند حضرت یوسف (ع) و مریم (س). الگوهای قرآنی گاهی از میان ضعیف‌ترین اقشار جامعه ظهور پیدا می‌کنند، مانند حضرت موسی (ع)، ایوب (ع)، هود (ع) و غیره؛ گاهی مانند حضرت سلیمان (ع)، مؤمن آل فرعون، آسیه از درون قدرت و سلطنت برمی‌خیزند (اکبری و گرجیان، ۱۳۹۲). زنان در این کتاب آسمانی، در پیشگاه الهی مانند مردان برای رسیدن به جایگاه معنوی در شرایط مساوی هستند، از آن لحاظ که انسان‌اند، مورد خطاب قرآن هستند (مهدوی یکتا و اخوی، ۱۳۹۷، ص. ۸۴)؛ به همین جهت، زنان نمونه قرآنی، نه فقط الگو برای زنان کمال‌جو، بلکه الگو و اسوه برای همه مؤمنان هستند؛ چنان‌که در سوره تحریم آیه ۱۲، آسیه همسر فرعون و مریم مادر مسیح (ع) دو نمونه خوب برای مردم مؤمن به شمار آمده‌اند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ... وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ...» خداوند برای مؤمنان همسر فرعون و حضرت مریم دختر عمران را مثال زده است (مرتضوی، ۱۳۷۸، ص. ۶۵).

۲۳۶

۳-۱-۲- حضرت مریم (س) به عنوان الگوی زنان مسلمان در نقش مدیریتی معنوی

این زن نمونه که نامش سی و چهار بار در قرآن آمده است یکی از چهار بانوی بزرگ ادیان ابراهیمی به شمار می‌رود از جمله ستایش‌های قرآن درباره‌ی او مفاد آیه ۴۲ از سوره آل عمران زیر است: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ!». قرآن کریم حضرت مریم (س) را اسوه احسان، عفت، صدق و قنوت می‌داند که از طریق عبادت و قنوت دائم و تصدیق کامل کلمات الهی و تبعیت کامل از مشیت الهی و تحمّل سختی‌ها باهدف قرب خدا و تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم توحید عملی می‌کرد (عباسی مقدم، ۱۳۷۹، ص. ۳۷۶).

۳-۱-۴- حضرت آسیه (س) به عنوان الگوی زنان مسلمان در نقش مدیریتی معنوی

قرآن کریم یکی دیگر از زنان اسوه الگو را که در حوزه مدیریت معنوی بسیار موفق بوده است. آسیه بنت مزاحم می‌داند؛ هرچند پرورش یافته دربار فرعونیان و همسر فرعون زمان بود؛ یک‌باره به همه‌ی تعلقات دنیوی پشت نمود و اسوه ایمان در شرایط سخت شد؛ که قصد جدی برای گریز از محیط کفر و فساد، برائت از ستم و ستمگر، پناه دادن به اهل ایمان از طریق دعا و تضرّع به درگاه خدا و کمک به مؤمنان و... باهدف حفظ ایمان و تبلیغ آن اتمام حجت و ترویج توحید داشت. در روایات نیز از او به‌عنوان یکی از چند اسوه برتر زنان عالم یاد شده است:

۲۳۷

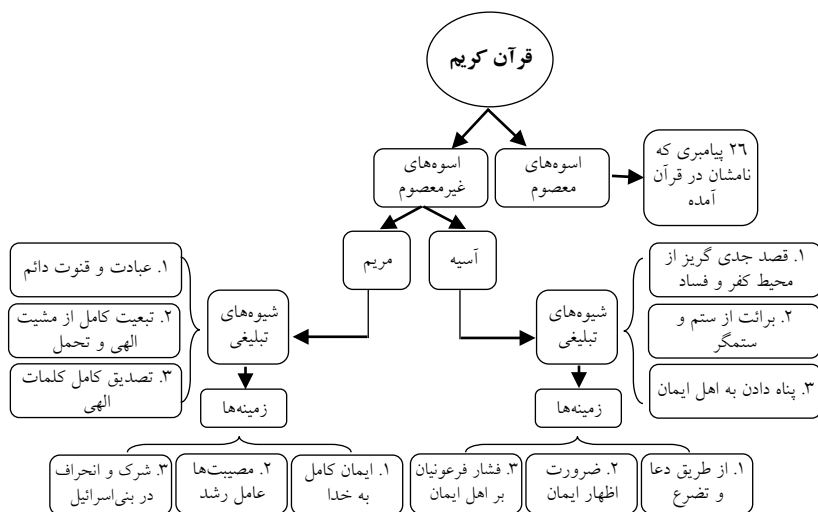
«إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا»: خداوند از میان زنان چهار تن را برگزیده است؛ مریم، آسیه، خدیجه، فاطمه (س). جریان مدیریت حضرت آسیه به این شکل بود که توانست مکمل نقش مادر و خواهر عیسی باشد؛ به‌خوبی از عهده پرورش موسی و هدایت سایر اتفاقات بعد از آن برآمد. به‌طورکلی، در قرآن کریم از زنانی چون حوا (ع)، ساره و هاجر همسران ابراهیم (ع)، دختران شعیب (ع)، همسر زکریا (ع)، مادر مریم (ع)، بلقیس، همسر ایوب (ع)، مادر و خواهر موسی (ع)، آسیه همسر فرعون، حضرت مریم (س) و فاطمه زهرا (س) به

۱. و یاد کن هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است.

نیکویی یادشده است که از بعضی به‌طور صریح و بعضی به‌طور غیرصریح سخن رفته است (عباسی مقدم، ۱۳۷۹، ص. ۴۲۱). بر دعوتگر لازم است که به تمام الگوهای قرآنی در زمینه‌های مختلف توجه کند؛ الگوهایی چون حضرت سلیمان (ع) به‌عنوان انسان غنی و سپاسگزار، حضرت ایوب (ع) الگوی انسان گرفتار مصیبت؛ اما صبور و راضی به تقدیر الهی، ذوالقرنین نمونه حاکم عادل، اسماعیل ذبیح‌الله به‌عنوان الگوی جوان فرمان‌بردار از دستور الهی و ایثارگر، مؤمن آل فرعون مثال مؤمنی که به خاطر مصلحتی ایمانش را تا مدتی پنهان و سپس آشکار می‌نماید، هابیل فرزند حضرت آدم (ع) به‌عنوان الگوی انسانی خیرخواه و صلح‌طلب که ظلم را پرهیزگاری پاسخ می‌دهد، قابیل نمونه انسان ظالم، مانند حضرت یوسف (ع) پیامبری که در کنار سایر زندانیان به دعوت الهی می‌پردازد، حضرت نوح (ع) و پسرش به‌عنوان الگوی پدری باایمان و فرزندی کافر، در آسیه همسر فرعون الگوی زنی باایمان در مقابل همسری کافر، زنان لوط و نوح الگوی زن کافر در کنار مرد باایمان، قوم سبا مثال امتی که شکرگزار نعمت خدا نیست بنی‌اسرائیل مثال مردمان ترسو و بزدل است (عباسی مقدم، ۱۳۸۲، ص. ۵۴). سخن آخر اینکه در این کتاب آسمانی، زنان در پیشگاه الهی مانند مردان برای رسیدن به مقامات معنوی در شرایط مساوی قرار دارند و از آن لحاظ که انسان‌اند، مورد خطاب قرآن هستند. آنچه مهم است «ایمان و عمل صالح» آن‌هاست؛ این حاکی از توجه خاص دین اسلام به منزلت و مقام زن و کارکرد مدیریتی وی در جامعه است.

۲-۱-۵. مدل پژوهش

مدل در یک چارچوب نظری نمادی از واقعیت است که برای تبیین بخش‌های مختلف یک پدیده اجتماعی به کار می‌رود. در واقع مدل انتزاعی از واقعیت است که به‌منظور ساده‌سازی و نظم دادن به دیدگاه ما از واقعیت به کار می‌رود. مدل نظری مورد استفاده با توجه به موضوع پژوهش، بر اساس دیدگاه قرآن کریم در مورد زنان اسوه و الگو است؛ یافته‌های نظری بیانگر شرایط و شیوه‌های مدیریتی آنان در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت است.



شکل ۱- شیوه‌ها و زمینه‌های مدیریت معنوی زنان مسلمان و نمونه از دیدگاه قرآن کریم

منبع: (نگارنده)

۳. مدیریت معنوی خانم مرضیه دباغ در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت

قبل از پرداختن به بحث اصلی پژوهش در مورد مدیریت معنوی خانم دباغ، لازم است که به این توضیحات پرداخته شود که ایشان چه کسی بودند و در چه شرایطی قرار داشتند که توانستند در حوزه معنوی مدیریت موفق باشند. ایشان از زنان مبارز و انقلابی است که در سال ۱۳۵۲ به دلیل تبلیغات و سخنرانی‌ها، دیگر فعالیت‌های اسلامی و انقلابی به همراه دخترش خانم رضوانه دباغ توسط ساواک دستگیر شدند. ایشان و فرزندشان در زندان تحت شدیدترین شکنجه جسمی و روحی قرار داشتند. بعد از آزادی از زندان در سال ۱۳۵۲ به دلیل عدم امنیت و تعقیب ایشان توسط ساواک به انگلستان گریخت. در خارج از کشور نیز در دفاع از انقلاب مبارزه می‌کرد؛ هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به‌عنوان فرمانده سپاه همدان انتخاب شد. در سال ۱۳۸۳ نیز نشان دولتی درجه سه ایثار را دریافت کرد (زاهد غفاری هشیجین و حیدری، ۱۳۹۳، ص. ۹۴).. یکی از دلایل اصلی موفقیت این بانوی نمونه مدیریت موفق ایشان در حوزه معنویات است؛ که در ذیل به آن پرداخته خواهد شد.

۳-۱. مدیریت معنوی خانم مرضیه دباغ در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت قبل از انقلاب اسلامی

خانم دباغ قبل از انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت بسیار فعال بودند، بیشترین نقش مدیریتی ایشان در حوزه معنویات بوده است که در ذیل به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۳-۱-۱. برگزاری کلاس‌های قرآن و تفسیر

خانم دباغ در ادامه راه پدر و مادرش کلاس‌های قرآن و تفسیر را برگزار می‌کرد. ایشان در همان زمانی که در محضر حاج آقا شیخ علی خوانساری و شهید سعیدی، شاگردی می‌کرد. هم‌زمان با امر خانه‌داری، بچه‌داری، تحصیل، معلمی هم می‌کرد. کلاً منزلشان را به کلاس درس و اعتقادات برای دختران جوان تبدیل کرده بودند. ایشان متأثر از یادگیری علمی که در محضر اساتید برجسته‌اش در عرصه اعتقادات سیاسی و مبارزات یاد گرفت، در جلسات درس و سخنرانی، پخش و توزیع اعلامیه‌های فرهنگی و کتاب‌های حضرت امام (ره)، همچنین شناسایی افراد مؤمن و مستعد آموزش فرهنگی و غیره درس و بحث می‌کرد.

به گفته آقای میرزایی: قبل از انقلاب ایشان در تهران، خانه‌ای داشت که اشخاص سیاسی - اجتماعی و مبارزان با رژیم در آن رفت‌وآمد می‌کردند، در آن منزل فعالیت‌های دینی انجام می‌دادند، برپایی کلاس‌های آشنایی با قرآن به زبان عربی، کلاس‌هایی راجع به مبانی دینی و امام شناسی برقرار بود؛ که در آنجا دیدگاه‌ها، پیام‌ها، اطلاعیه‌های حضرت امام مورد بحث قرار می‌گرفت؛ این کلاس‌ها در شرایط سخت و خفقان‌آوری برگزار می‌شد؛ خانم دباغ به‌تفاهلی ماشینی را کرایه و به هر ترتیبی بود در جلسه دماوند حضور پیدا می‌کردند؛ بحث و گفت‌وگوی خود را با خانم‌ها ادامه می‌دادند، اگر ضرورتی پیش می‌آمد، پاسخگوی مسائل و سؤالات آن‌ها نیز بودند. درنهایت این کلاس‌ها با استقبال بی‌نظیر مردم به‌ویژه قشر جوان روبه‌رو شد.

خانم جوشقانی (شاگرد خانم دباغ) می‌گوید:

«از طریق حاج آقا صالحی خوانساری تعریف کلاس‌های او را شنیده بودیم و در همان برخورد اول کلاس ما را شیفته اخلاق خودشان کرد. ایشان برای نوجوانان احترام خاصی قائل بودند. همچنین در کلاس‌های خانم دباغ، احکام، تفسیر قرآن، اصول و جهان‌بینی ... برگزار می‌شد. در

کلاس‌های ایشان از همه نوع قشری بودند؛ از نوجوان گرفته تا خانم‌های مسن در کلاسش حضور پیدا می‌کردند، کلاس‌های ایشان بسیار جذاب و حالت امور تربیتی داشت؛ از زیباترین کارها در آن زمان اجرای برنامه‌های تئاتر بود که در یکی از بازی‌های از خانم دباغ درخواست کردیم که به صحنه بیاید، قبول نکرد و گفت تبلیغ خودم می‌شود (و در عوض دخترخانمشان راضیه خانم را در آن نقش جای داد) (شفیعی، ۱۳۸۵، صص ۲۶۴، ۱۴۵ و ۶۳). خلاصه تمام رفتارش الگو و از هر لحاظ سیاسی- عقیدتی راهنما بود.

این بزرگوار در منزلش در با مدیریت معنوی خود به ترویج فرهنگ اسلامی می‌پرداخت؛ متأثر از استادشان آیت‌الله سعیدی فعالیت‌های او را دنبال می‌کرد، به دلیل این فعالیت‌ها بود که مأموران ساواک او را دستگیر کردند. در خارج از کشور نیز در روزهایی که عملیات یا آموزش نظامی در برنامه نبود، به تدریس قرآن و جلسات سخنرانی می‌پرداخت (کاظمی، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۱).

۳-۲. ارتباط مختلف با مراکز دانشگاهی

دانشگاه محیط دیگری برای شروع و تداوم فعالیت‌های زنان بود. چراکه عمدتاً ورود این زنان مبارز سیاسی به محیط‌های دانشگاهی مصادف بود با شروع یک سری فعالیت‌های دانشجویان. همین ارتباط یافتن با دانشجویان معترض در سیاست‌های حکومت که بیشتر در قالب تظاهرات، اعتصاب غذا، پخش و تکثیر اعلامیه، صورت می‌گرفت؛ باعث شد که از نزدیک با افراد و گروه‌های مبارز آشنا شوند (مراد حاصلی خامنه، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۴) بعد از شهادت آیت‌الله سعیدی یکی از گروه‌هایی که خانم دباغ با آن‌ها مرتبط بودند، دانشجویان دانشگاه‌های تهران بودند که با دو نفر از آن‌ها یک جمع سه‌نفره تشکیل دادند؛ اطلاعاتی که هر دو طرف داشتند ردوبدل می‌کردند.

به‌زودی هر کدام زیرمجموعه خود را فعال کردند. از همین نقطه بود که فعالیت‌های نظامی ایشان نیز شروع شد (رتیسی، ۱۳۸۷، ص. ۵۷) خانم دباغ با مدیریت معنوی خود در فعالیت‌ها و سخنرانی‌هایشان دو شیوه تبلیغی برای معرفی اسلام اصیل داشتند: ۱- اینکه به افراد خاص مثل

دانشجویان و جوانان خیلی نزدیک می‌شدند، هنگامی که فردی را شناسایی می‌کردند، به فراخور ظرفیت فکری و اخلاقی آن شخص به وی خوراک سیاسی می‌دادند ۲- دیگر اینکه هسته‌های سیاسی تشکیل داده بودند که در ضمن آن فعالیت‌های فوق‌برنامه‌ای (خلاصه‌نویسی کتاب‌ها و غیره) انجام می‌دادند.

خانم دباغ در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ در فضای آن زمان با وجود شش فرزندی که داشت، در خانه‌ای که از چندان امکاناتی برخوردار نبود در عین حال با دانشجویان در ارتباط بود که این ارتباط خود در بردارنده تبادل فرهنگی، سیاسی و اعتقادی او بود. ایشان علاوه بر ارتباط با روحانیون مبارز با گروه‌های مبارز دانشجویی دانشگاه‌های علم و صنعت، ملی (شهید بهشتی)، آریامهر (صنعتی شریف)، به واسطه خواهرزاده‌های همسرش^۱ مرتبط بود که هر کدام دانشجوی یکی از دانشگاه‌های تهران بودند. با کمک همین دانشجویان بود که در سال‌های حدوداً ۵۱ تا ۵۳ به ایجاد و گسترش پایگاه‌های امن در شمال (تنکابن)، جنوب (آقا جاری)، غرب (همدان)، پرداخت؛ سرانجام نیز به علت اعتراضات برخی از دانشجویانی^۲ که همگی در زندان بودند و در جریان مبارزه باخانم دباغ در زیر شکنجه‌ها تاب نیاورده بودند، همه از نقش دباغ صحبت کرده بودند.

متأسفانه تعدادی از این افراد پس از پیروزی انقلاب به خاطر ضعف ایدئولوژیک و یا تدروی به انحراف رفتند و به منحرفین پیوستند. خانم دباغ چون فرمانده سپاه بودند برخوردار قاطع در مواجهه با این گروهک‌های ضدانقلاب داشت، از این رو از سوی این گروه‌ها مورد حقد و کینه قرار گرفته بود (کاظمی، ۱۳۸۷، صص. ۲۲۸ و ۵۹). در تظاهراتی که توسط دانشجویان مسلمان در اروپا سال ۱۳۵۶ به مناسبت‌های مختلف^۳ برگزار می‌شد شرکت می‌جست.

خانم دباغ مدتی که در انگلستان بود باینکه دانشجو نبودند در انجمن‌های دانشجویی

۱. سجادی‌ها، عراقچی‌ها، قیطانی‌ها.

۲. چون: مهندس قیطانی، برادران سجادی (صادق و مهدی)، بهجت تیفتنکچی، برادران عراقچی، (حسین و محسن) و روشن‌روان

۳. مرگ مشکوک دکتر علی شریعتی و حاج آقا مصطفی خمینی در لندن، اعتصاب غذای کلیسای سن موری در فرانسه

فعالیت داشتند. با وجود اینکه همسر و فرزندانش را در ایران گذاشته بود؛ به دلیل ایمانی که داشت و با مدیریت معنوی خود، هیچ وقت روحیه اش را از دست نمی داد (شفیعی، ص. ۲۴). خانم دباغ از اعضای هیئت انجمن دانشجویی بودند که انجمن هر هفته سخنرانی برگزار می کرد؛ جلسات متعددی در جهت پیشبرد اهداف سیاسی و تبیین فعالیت های مبارزاتی در انجمن مردان و خواهران برگزار می شد. خانم دباغ در بخش خواهران بسیار فعال بود. آن ها در آن زمان انجمن هایی درون خود داشتند؛ در نمازخانه ها افرادی را جذب می کردند. بعد از آمدن محمد منتظری ارتباطشان بیشتر شد. در انگلیس،^۲ هم منزل آقای غرضی رفتند که به دلیل تعقیب پلیس انگلیس نقل مکان کردند (شفیعی، ۸۲).

۳-۳. تلاش جهت تبلیغ و تکریم مقام شهدا

خانم مرضیه حدیدی (دباغ) با مشاهده صحنه های کشتار فجیع پانزده خرداد به ماهیت ظالمانه رژیم پی برد. در نتیجه با مدیریت معنوی خود، در جهت تبلیغ و تکریم مقام شهیدان برای گسترش فرهنگ ایثار و شهادت، منزلشان را به عرصه آموزش مباحث اسلامی تبدیل کردند. اوج این فعالیت ها بعد از آشنایی با آیت الله سعیدی بود (رئیزی، ص. ۵۴). بعد از شهادت این بزرگوار نیز به صورت ناشناس از گردانندگان اصلی مراسم شهید سعیدی بود. دخترخانمشان^۳ متأثر از فضای مذهبی خانواده در برگزاری شهدای خانواده دانش آموزان مدرسه رفاه، شرکت می کرد؛ خانم دباغ به دلیل انجام این فعالیت ها دستگیر شد.

بعد از آزادی موقتی از زندان در سال ۱۳۵۳ به دزفول رفت؛ با توجه به اینکه هم زمان ایام محرم و عاشورا نیز بود، بار دیگر با ایفای نقش مدیریت معنوی خود در مجلس عزاداری، روضه و سخنرانی می کرد؛ با تشبیه عوامل رژیم به فرزندان یزیدیان، به همگان تفهیم شد که باید مقام شهیدان را چون شهیدان کربلا دانست؛ که در مظلومیت و بی گناهی انسان های

۱. سخنرانان نیز از خود دانشجویان بودند از جمله افرادی چون: دکتر رحیمی، نخعی، مرحوم شهید مطهری، آقای خرم آبادی و غیره.

۲. این گروه که در قالب روحانیت مبارز شهرت یافتند.

۳. رضوانه دباغ

بزرگی را به خون می‌کشند (شفیعی، ص. ۱۰۶). حاج آقا متقی می‌گوید:

«وقتی دو تا از برادرهایم (بهنام‌های علی و حسین)، در همان شرایط خفقان‌آور در جریان مبارزات دانشجویی و مسائل دانشگاه یک روز رفته بودند کوه؛ توسط عوامل رژیم به مقام رفیع شهادت نائل آمدند، بر اثر این پیشامد تعادل عاطفی خانواده به هم خورد، مادرم خیلی به فرزندانش علاقه داشت، وقتی خبر شهادت برادرانم را به مادرم دادند، تعادلش را از دست داده، بعدها هم بر اثر ناراحتی فراوان شب و روز گریه می‌کرد؛ در چنین شرایطی خانم دباغ برای دلداری دادن مدام به منزل ما سر می‌زد که حضور ایشان برای مادر و خواهرانم بسیار تسلی‌بخش بود؛ خانم دباغ فردی قهرمان باروحیه قوی هستند که طی همان آمدوشد چندروزه، با برپایی مراسم عزاداری و روضه‌خوانی، موجبات تسلی خاطر ساکنان خانه را فراهم کرده بودند، برخورد ایشان با مردم بخصوص خانواده شهدا از سر محبت و سعه‌صدر بود (شفیعی، ص. ۳۲۹)

ایشان با مدیریت معنوی خود، هر نوع فعالیت را که برای تبلیغ مقام شهیدان، از جمله دلداری دادن به خانواده شهدا، برپایی مراسم عزاداری، روضه‌خوانی، تسلی خاطر، سرکشی به خانواده شهدا و غیره را انجام می‌دادند. ایشان در خارج از کشور نیز به مناسبت مرگ مشکوک دکتر شریعتی و حاج آقا مصطفی خمینی، شهادت و شکنجه غیرانسانی زندانیان مبارز سیاسی در ایران و غیره، مجالس عزاداری و روضه‌خوانی را برگزار می‌کردند؛ برای تبلیغ و تکریم این شهیدان بزرگ به تهیه شعارنوشته‌ها، پخش و توزیع اعلامی و اعتصاب غذا، جهت افشای جنایت‌های رژیم و عوامل وابسته چون آمریکا و براندازی نظام ناعادلانه می‌پرداختند تا به گوش جهانیان برسانند که چه انسان‌های بزرگی در عین مظلومیت و بی‌گناهی، توسط خودکامگی‌های رژیم کشته شدند (غفاری هاشجین و حیدری، ص. ۸۹) اکنون وظیفه ما است که مقام این شهیدان را گرامی بداریم.

۲۴۴

۳-۴. انجام تبلیغات مربوط به مناسک حج

خانم دباغ در مدتی که در سوریه و لبنان بودند، در منزلی که محمد منتظری در سوریه «دمشق» اجاره کرده بودند ساکن شدند. با توجه به فعالیت‌های سیاسی- فرهنگی آن روز از جمله برنامه‌هایی که شهید منتظری طراحی و اجرا می‌کرد، رفتن به حج، تبلیغ حرکت حضرت امام و افشاگری علیه رژیم شاه بود که سرانجام پس از نشست و جلساتی تصمیم گرفتند که به همراه آقایان انقلابی^۱ از راه زمین به سوی عربستان حرکت کنند، خیلی سریع پاسپورتهای لیبیایی با هویت جدید برایش تهیه شد. در مکه و مدینه حال و هوای خاصی بود.

در موسم حج جمعیت زیادی آنجا بودند، در این فرصت اعلامیه‌ها و جزوه‌های ولی فقیه را که سخن واقعی و حقی بود، بین مشتاقان و زائرین پخش می‌کردند؛ صدای امام (ره) را که صدای حقی بود به گوش جهانیان می‌رساندند. بعد شروع به تبیین شرایط ایران در گروه‌های چند نفری و کوچک می‌کردند؛ با مراقبت‌های خاصی که داشتند توانستند در این سفر الهی با چند تن از مبارزان ایرانی و با دیگر افراد رابط تماس گرفته و تبادل اطلاعات کنند. از اوضاع و احوال داخل کشور دقیق سؤال کردند؛ ارزیابی خوبی به دست آوردند، لحظه‌ای آرام و قرار نداشتند، در هر زمان و نقطه و مکانی بود با حجاج سخن می‌گفتند؛ تا اینکه مشکل مالی پیدا کردند. یک دوربین عکاسی خریدند، با مدیریت معنوی که داشتند روزها در مقابل خانه خدا و یا در مدینه در جوار حرم حضرت رسول (ص)، نوبتی می‌ایستادند و از متقاضیان عکس می‌گرفت؛ پولی که به دست می‌آمد را در اختیار گروه قرار می‌داد. بعد از آن به سوریه برگشت و مدتی بعد برای گزارش مشکلات مالی و وضعیت در نجف خدمت امام (ره) رفت (کاظمی، ۱۳۸۷، صص. ۱۱۶-۱۱۳).

۲۴۵

۴. مدیریت معنوی خانم مرضیه دباغ در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت بعد از انقلاب اسلامی

خانم دباغ بعد از انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت بسیار فعال بودند، بیشترین نقش مدیریتی ایشان در حوزه معنویات بوده است که در ذیل به آن‌ها پرداخته خواهد...

۱. غرضشی، جنتی، تقدیسیان، آلاپوش و سراج الدین موسوی

۴-۱. هدایت و راهنمایی عاطفی و اخلاقی

با وجود تلاش مخالفان جمهوری و فرهنگ اسلامی در رابطه با تلقین مباحثی از جمله اینکه باید یک عنصر را از نظر اخلاقی فاسد کرد؛ که علم و آگاهی نه تنها به او نتیجه ندهد؛ بلکه نتیجه معکوس بدهد. آن وقت آمدند دبیرستان‌های مختلط درست کردند و غیره. با تلاش و مدیریت معنوی خانم دباغ در کنار سایر انقلابیون، به زنان تا حدودی مفهوم شد که حجاب در اسلام زندانی شدن زن نیست؛ بلکه فرد مجاهد، مخلوق آگاهی و پاکی و هر دو است. چراکه انسان اگر عالم و آگاه هم بشود، وقتی روحیه‌اش و اخلاقش فاسد شد، نه تنها آن آگاهی به سود خودش و جامعه‌اش نیست، بلکه همان آگاهی بیشتر به زیان جامعه است، مانند: «چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا» تا روزی که دزد نبود چراغ نداشت، از روزی که چراغ پیدا شد، دزدش کردند که از آن چراغ به نفع دزدی استفاده کند (اصغری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰). این یک برنامه‌ای بود که اشخاص آگاه متوجه آن بودند (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۵۶).

خانم دباغ با مدیریت معنوی خود، چه در جبهه و چه پشت جبهه، همیشه مثل یک مادر با مبارزان برخورد می‌کرد؛ چه در زندان و چه دورانی که خارج از زندان در داخل و خارج از کشور بودند؛ باعث هدایت و راهنمایی عاطفی و اخلاقی افراد و به ویژه جوانان بوده‌اند (کاظمی، ص ۱۲۱). در اینجا به نمونه‌هایی از نقش مدیریت معنوی این بزرگوار در حوزه اخلاقی اشاره خواهد شد، از جمله: تشویق افراد برای حضور در جبهه، رسیدگی به خانواده‌های انقلابیون، مبارزه با کجروی‌های اخلاقی، هدایت و راهنمایی فریب‌خورده‌ها، احراز نقش‌های مختلف فرهنگی چون: مسئول بسیج خواهران، مدرس دانشگاه علم و صنعت، قائم‌مقام جمعیت زنان جمهوری اسلامی و سایر فعالیت‌های فرهنگی: برگزاری کلاس‌ها و سخنرانی‌های فرهنگی، تشکیل کمیته انقلاب اسلامی، ایجاد مؤسسه فرهنگی رایحه فاطمه و غیره که ذکر جزئیات هر یک خود فصلی جداگانه می‌طلبد.

۲۴۶

۴-۲. تشویق افراد برای حضور در جبهه

زنان در طول تاریخ از پشت‌صحنه و از پشت جبهه جنگ همواره به مردان مردانگی می‌بخشیدند. اینکه می‌گویند: «زن آفریننده عشق است و عشق آفریننده مرد، مرد آفریننده

تاریخ»، ناظر به نقش غیرمستقیم زن در سازندگی تاریخ است (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۵).

خانم مرضیه دباغ با مدیریت معنوی خود، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، فعالیت چشمگیری داشتند، مثلاً کمک‌های ارسالی از مناطق غیرجنگی را دریافت می‌کردند، از طریق پل ارتباطی که بین تهران و اهواز ایجاد کرده بودند، آن‌ها را به جبهه‌های جنگ ارسال می‌کردند، از طرفی هم با شناسایی افرادی که در هر زمینه‌ای قادر به کمک و همکاری بودند. آن‌ها را تشویق و ترغیب می‌کردند، درحالی‌که قبل از آن به هیچ کاری نمی‌دادند؛ فقط به تشویق خانم دباغ ایمان داشتند. ایشان علاقه و احترام خاصی نسبت به خانواده محترم شهدا قائل بوده‌اند، آقای غلامرضا آذرین نیز در رابطه با شرایط نیمه دوم ۱۳۵۸ و نقش خانم دباغ می‌گوید:

«حال با لحاظ کردن شرایط عصری آن روز، بررسی نقش زنی چون خواهر دباغ لازم است، آن‌هم در شرایطی که اوضاع و احوال غرب کشور کاملاً به‌هم‌ریخته بود و بسیار نامناسب می‌نمود. در چنین شرایطی خواهر دباغ با حضور خود و اعمال راهبردهایی ویژه و مناسب تأثیر به‌سزایی در آرام کردن منطقه و بالا بردن روحیه مردان و زنان گذاشت، توان رزمی مردم را مضاعف کرد».

این مهم با مدیریت معنوی خانم دباغ: سخنرانی‌های پیاپی، تبلیغات به‌جای ایشان، یاری و فضل خداوند شکل گرفت؛ خلاصه رزمندگان در آن شرایط بحرانی از حضور ایشان و همکاری آن بزرگوار بهره‌مند می‌شدند؛ خانم دباغ اعتقاد بسیار زیادی به مبارزه با صدام و شرکت در جنگ تحمیلی داشتند، ایشان همیشه افراد را تشویق و ترغیب می‌کردند تا در جبهه ایثارگرایانه شرکت کنند و فعالیت داشته باشند، حتی مسئولیت تهیه و تحویل لباس نظامیان در جبهه را نیز عهده‌دار شدند (شفیعی، صص. ۳۸۷-۳۴۵).

ایشان می‌گویند:

برای خانواده‌های شهدا هرسال تعدادی از همسران و مادران و خواهران شهدا در حجاج بودند که مسئولیت آن بر عهده من و بقیه چون خواهر حضرت آیت‌الله دستغیب بود. آن موقع با ایشان در مجلس شوری اسلامی بودم؛ مسئولیت این خانواده شهدا به دو گروه مدینه‌قبل و بعد که یک

گروه را ایشان و گروه دیگر را بنده مدیریت می‌کردیم. آنجا نیز یک سری جلسات گفت‌ووشنود داشتیم؛ که بعداً تشکیلات بنیاد شهید به فرمان حضرت امام شکل گرفت؛ که تا هفت روزبه دلداری از خانواده‌های شهدا می‌پرداختیم.^۱

۴-۳. انجام کارهای خیر و انسان دوستانه

خانم دباغ با مدیریت معنوی و با توجه به عواطف ایثارگرایانه مادری و وظیفه‌شناسی خود، به خانواده انقلابیون رسیدگی می‌کرد و از انجام هرگونه کار خیر و انسان‌ها دوستانه در حق افراد مؤمن و نیازمند کوتاهی نمی‌کرد، نقش موفق مدیریتی این مادر انقلابی، به‌ویژه در عرصه مدیریت معنوی و ایثارگری تا جایی است که در سال ۱۳۸۲ از رئیس‌جمهور خاتمی نشان درجه سه ایثار را دریافت کردند.^۲ ایشان بعد از انقلاب مسئولیت کاروان‌های زنان شاهد را در مکه مکرمه بر عهده داشتند، حتی به دیدار و استقبال اسرای جنگی بعد از جنگ می‌رفتند، در این رابطه آقای سید حمید قشمی می‌گوید:

«اولین روز سال ۱۳۵۹ درنبردی به اسارت نیروهای عراقی درآمده بود و ده سال اسیر بود تا اینکه سال ۱۳۶۹ از اسارت رها شد. خانم دباغ به استقبالشان رفتند و باعث خوشحالی آن‌ها شدند.»

این زن ایثارگرایانه از حق فرزندان و شوهرش گذشت و در زندان‌های رژیم شاه و حتی دور از وطن دست از مبارزه برنداشت، باین حال بعد از انقلاب به نقش مدیریتی خود، به‌ویژه انجام کارهای انسان دوستانه خود ادامه داد. ایشان در هر شرایطی پیرو ولایت‌فقیه بودند. برجستگی شخصیت انسانی ایشان در اینجا قابل‌ذکر است؛ که روزی یک جانباز که دوپایش از زانو به پایین قطع بود با یک خانم پرستار ازدواج کردند؛ که واسطه عقد این دو بزرگوار هم خانم دباغ بودند (شفیعی، ص. ۴۰۴).

آقای سید حمید قشمی می‌گوید:

۱. مصاحبه باخانم مرضیه حدید چی «دباغ»، در ۱۳۹۲/۲/۷

۲. سایت مرکز پژوهش‌های اسلامی

«از ناحیه پا مجروح شده بودم و به شدت درد پاداشتم، ولی به دلیل مشغله‌های کاری نمی‌توانستم به بیمارستان بروم، روزی خانم دباغ به منزلمان آمد و گفت: «می‌خواهیم به مأموریت برویم که غافلگیرانه سر از بیمارستان درآوردیم و معلوم شد از قبل با دکترم هماهنگی کرده بودند، در نتیجه با توصیه ایشان دکتر پایمان را گچ گرفت و این نشانه عطف و محبت مادر گونه ایشان نسبت به بچه‌های سپاه بود.» (شفیعی، صص. ۱۹۴-۱۹۲ و ۲۷۹).

بخش دیگری از این رسیدگی‌ها به شکل انجام کارهای خیر و انسان دوستانه برای دیگر نیازمندان بود، ایشان یکی از افرادی هستند که همیشه مردم را مدنظر داشته‌اند، یک‌بار هم که در همین سال‌های اخیر برای رسیدگی به مشکلات مردم همدان به تنهایی عازم آنجا شده بود، دچار سانحه رانندگی شدند، این بیانگر آن است که در راه یاری به مردم، حتی از جانشان نیز مایه می‌گذارند، باینکه به راحتی می‌توانست از هواپیما و یا راننده شخصی استفاده کند. خانم دباغ یک انسان کامل و به تمام معنا الگو هستند. حتی دو دختر جوان تا مدت‌زمانی طولانی به علت نیازشان در منزل ایشان ساکن بودند؛ بعداً نیز در خانه این بزرگوار ازدواج کردند (شفیعی، صص. ۲۰۴).

این بانوی فداکار و ایثارگر نسبت به تمام انسان‌ها احساس مسئولیت می‌کردند. حتی تا آنجا که لازم بود به عیادت بیماران نیز می‌رفتند. از طرفی در امر خیر واسط بودند و اسباب ازدواج بسیاری از مسئولان فعلی را خانم دباغ فراهم کردند^۱ خانم دباغ نمونه یک زن ایرانی - اسلامی است که در عین صلابت و سختی در برابر دشمنان قسم‌خورده اسلام و انقلاب به همان میزان روحی لطیف و حساس دارد، دارای شخصیت چندبعدی است، خانم تندگویان می‌گوید:

«مساعدت و محبت ایشان به فقرا به صورت یک عادت درآمده بود، به گونه‌ای که این کار را وظیفه خود می‌دانستند؛ می‌گوید همان‌طور که حضرت علی (ع) کشاورزی می‌کرد و نخل می‌کاشتند؛ ایشان نیز کارهای

۱. به‌عنوان نمونه: آشنایی و ازدواج خانم نصرت بهمن پور با آقای حجت‌الاسلام محمدحسین بهمن پور قبل از انقلاب در انگلیس.

خدمت‌رسانی مختلف را برای مردم به صورت یک وظیفه انجام می‌دادند»
(غفاری هاشجین و حیدری، ص. ۱۰۳).

حتی در مجلس سوم به جهت مشکلات اقتصادی خانواده و کسر حقوق، در مسیر فرودگاه مسافرکشی می‌کرد تا بتواند به کار خیرش ادامه دهد. به گفته خانم فرهنگ:
«روزی خانم دباغ می‌خواستند برای مستحقی کمک جمع‌آوری کنند؛ که در ابتدا خودشان که از تمام زینت و زیورآلات زنانه دو عدد انگو داشتند را از دست خود درآوردند، قبل از هرکسی کمک کردند»
در مصاحبه‌ای که با این بزرگوار انجام شد، معلوم شد که با پیگیری‌های ایشان و سایر همکاران در جمعیت زنان در حال حاضر سه تا خانواده تحت پوشش مقام معظم رهبری است. سایر کارهای خداپسندانه‌ای که از این قبیل انجام داده ناشی از نقش موفق مدیریت معنوی ایشان است (شفیعی، صص. ۲۸۰ و ۲۶۸ و ۱۶۳).

۴-۴. مبارزه با کجروی‌های اخلاقی

در تاریخ جنگ، زنان فراوانی را سراغ داریم که مبارزه کردند؛ ولی هیچ‌یک از آن‌ها به اندازه خانم دباغ دارای سابقه روشن و مهم‌تر از همه استواری و ثبات قدم نبودند. خیلی از خانم‌ها در جریان مبارزات خود پس از مدتی دچار انحراف عقیدتی می‌شدند و به سمت کمونیست‌ها، مارکسیست‌ها، لائیک‌ها، غربی‌ها و غیره می‌رفتند؛ ولی ایشان همواره در راه الهی استوار و ثابت قدم بودند. خانم دباغ در زندان، بر روی برنامه‌هایی به‌طور غیرمستقیم^۱ برای هدایت چپی‌ها نظارت داشت؛ بسیاری از خانم‌های غیرمذهبی که دارای افکار التقاطی بودند را هدایت می‌نمود.

پشتکار و صلابت ایشان در پیگیری کارها، مقابله با جریان‌های مخرب و مشکوک بی‌نظیر بود. خانم دباغ در مقابل این جریان‌های مسموم و انحرافی، سفت‌وسخت می‌ایستادند و اجازه سوءاستفاده به کسی نمی‌دادند. عمده فعالیت ایشان و دیگر مبارزان از کشور به این قرار بود که افکار عمومی جهان را علیه شخص شاه و رژیم سفاک پهلوی روشن کنند؛ تا دنیا بفهمند

۱. از راه نماز، روزه، شب‌زنده‌داری و مطالعه، الگوی عملی آنها بود.

که شاه و عمالش چه جنایاتی را مرتکب می‌شوند؛ چه میزان استبداد در کشور حاکم است. خانم دباغ برای جوانان ارزش زیادی قائل بود و اگر خطایی می‌دید امر به معروف می‌کرد، از ورود افراد ناصالح به سپاه جلوگیری می‌کرد (شفیعی، صص. ۲۹۸ و ۲۲۹ و ۱۵۶).

در این مورد به پاک‌سازی کاخ جوانان که وابسته به سازمان مجاهدین و انحراف فکری جوانان را در برداشت پرداخت. حتی قبل از انقلاب در لبنان به وضعیت مشروب‌فروشی مناطق شیعه‌نشین اعتراض کرده بود (کاظمی، ص. ۱۲۱). در رابطه با جلوگیری افراد منافق، آن‌ها ابتدا در بروجرد، لرستان و همدان بودند؛ در ابتدای امر مرکزشان را استان همدان قرار دادند، اما در همدان ضربه خورده و پراکنده شدند؛ به اجبار مرکزیت را به بروجرد منتقل کرده، در آنجا به طرز ناجوانمردانه‌ای بیشترین کشتار را انجام دادند؛ خانم دباغ در زمان فرماندهی؛ با مدیریت معنوی خود، بسیاری از این انحراف‌های فکری و اخلاقی را کشف و مانع شدند. ایشان با هماهنگی دادگاه انقلاب به مقابله با گروه حدید و خلع سلاح آن‌ها پرداخت. در آن زمان در بین تعدادی از بچه‌های نه‌اوند گرایش به منافقین زیاد شده بود. ایشان به هر طریق ممکن به مؤسسه فعالیت آن‌ها رفتند و مشاهده کردند که تعدادی مشغول انجام کارهای فرهنگی هستند، خانم دباغ به آن‌ها گفت: «شما دارید منحرف می‌شوید، نباید این نشریه‌ها را به نمایش بگذارید، نگذارید زحمات گذشته شما پایمال شود چراکه شهدای زیادی را در راه اسلام داده‌اید». در منطقه دماوند به هدایت و راهنمایی اخلاقی افراد منحرف که ناشی از تحركات چپی‌ها، لائیک‌ها، تهاجم فرهنگی بود؛ از طریق برگزاری کلاس‌های عقیدتی- فرهنگی فعالیت داشتند (شفیعی، صص. ۲۶۴ و ۱۹۱).

۴-۵. هدایت و راهنمایی فریب‌خورده

خانم دباغ تا آنجا که امکان داشت در اوایل انقلاب که بسیاری از افراد فریب‌خورده و به دامن گروهک‌ها افتاده بودند را راهنمایی و نصیحت می‌کرد. این فعالیت یکی از نقش‌هایی بوده است که در زمان فرماندهی سپاه انجام می‌داد. وقتی مواضع و مناطقی از ضدانقلاب‌ها به دست نیروهای وفادار به انقلاب و نظام می‌افتاد، از لوٹ عناصر محارب پاک می‌شد، آن‌ها خشمگین شده و دست به جنایت‌های هولناک علیه مردم بی‌دفاع و بی‌سلاح، حتی رهگذران و مسافران

می‌زدند.^۱ گاهی از سنگ‌های مواضع ضدانقلاب که به دست برادران پاسدار می‌افتاد، انواع و اقسام لوازم عیاشی پیدا می‌شد که نشان اوج انحطاط اخلاقی آن‌ها بود؛ در حمله به یکی از اردوگاه‌ها و محله‌های آنان، حدود بیست و پنج دختر و پسر مختلط دستگیر شدند.

خانم دباغ در زندان به دیدن آن‌ها رفت.^۲ دختران بین ۱۶ تا ۲۴ ساله بودند، لوازم و نیز از سنگ‌های آنان به دست آمده بود^۳؛ در گفت‌وگو با این دختران فریب‌خورده که خود را توجیه می‌کردند، خانم دباغ آن‌ها را ارشاد می‌کرد. این دخترها از شهرهای مختلف^۴ آمده بودند، عمق فاجعه تا آنجا بود که خانواده‌هایشان حاضر نبودند که فرزندانشان به کانون خانواده برگردد، خوشبختانه با مدیریت معنوی ایشان در کنار سایر نیروهای انقلابی، رفته‌رفته جوانانی که به ضدانقلاب‌ها پیوسته و فریب‌خورده بودند، پشیمان شده و برگشتند، یا در درگیری‌ها کشته شدند (کاظمی، ص. ۲۱۰).

۴-۶. مسئول بسیج خواهران

تقریباً در اواخر سال ۶۱ که خانم دباغ زانویس در جریان جنگ تحمیلی آسیب دید؛ پایش او را برای ادامه کار یاری نمی‌کرد، در نتیجه به فکر تشکیل نیروی مقاومت بسیج افتاد (همان، ص. ۲۳۶). از آن به بعد ضمن سرکشی به مناطق جنگی، انتهای هر یکی دو ماه، یک‌بار اتفاق می‌افتاد، به آموزش خواهران در پادگان می‌پرداخت. البته ایشان در اوایل انقلاب دست به تشکیل و سازمان‌دهی نیروهایی از خواهران زد، کیفیت کار به این گونه بود که با مدیریت معنوی خود، روی ابعاد مختلف شخصیتی و توانایی این خواهران کار می‌کرد؛ این روند همچنان ادامه داشت تا اوضاع فرهنگی شهر کمی سروسامان یافت و همدان اندکی از آن حالت رکود خارج شد (غفاری هشیجن و حیدری، ص. ۹۳).

۱. سر می‌بریندند، چشم‌ها را از حدقه، زبان و ناخن‌ها را از جا بیرون می‌کشیدند.

۲. چون مسئول زندان زنان تهران نیز بود.

۳. مانند قرص‌های ضدبارداری، عکس‌های مستهجن، انواع لوازم قمار و غیره.

۴. از جمله: رشت، تبریز، تهران، شیراز.

۴-۷. مدرس دانشگاه علم و صنعت

در بین نهادهای فرهنگی، تربیتی، علمی هر جامعه دو نهاد مدرسه؛ و «دانشگاه» از جایگاه و تأثیر خاصی برخوردارند. در عصر پهلوی در راستای «اسلام زدایی» و «بی‌هویت کردن نسل جوان»، این دو نهاد علمی و فرهنگی، برای ترویج ابتدال و انحطاط فرهنگی جوانان ایرانی فعال شدند (نصری، ۱۳۹۰، ص. ۱۹). انقلاب اسلامی به همت زنان و مردان غیور و عقیفه، این جریان، افراد و برنامه‌های فاسد را از نظام آموزش و پرورش کشورمان حذف کرد (طباطبایی، ۱۳۸۰، ص. ۲۰۹). به گفته طاهره سجادی^۱ (از زندانیان سیاسی زمان پهلوی):

«پس از انقلاب گروه‌ها و احزاب متعددی به وجود آمدند، از جمله سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و غیره؛ آن موقع بهترین جا برای فعالیت و حفظ ارزش‌های انقلاب و اسلام آموزش و پرورش بود. گروهک‌های منافق فدایی در مدارس فعال بودند و با اغتشاشات سعی در به تعطیلی کشاندن مدارس می‌کردند. در مدرسی چون مدرسه سلیمی بسیاری از معلمان مسائل غیردینی درس می‌دادند. مسائل کمونیستی و توده‌ای که این زیان فرهنگ سیاسی بود (سجادی، ۱۳۸۳، صص. ۲۲۳-۲۲۰).

بدیهی بود که با وجود چنین ابتدال فرهنگی و زمینه‌ای که رژیم پهلوی ایجاد کرده بود؛ برای پاک‌سازی ذهن جوانان، آموزش و پرورش نیاز به مبلغان اخلاقی- اسلامی در حوزه (فرهنگ‌سازی) تدریس دانشگاهی و مدارس داشته باشد؛ بنابراین خانم دباغ با مدیریت معنوی خود، در همان روزهای اول انقلاب، در آموزش و پرورش در سطح استان تهران، مسئولیت مسائل تربیتی خواهران را بر عهده داشت، این نشان‌دهنده این بود که ایشان در مسائل تربیتی دارای اندیشه‌های نوینی هستند؛ که طبعاً الهام گرفته از آن مبارزات سیاسی و انقلابی ایشان بود.

مسئولیت برنامه خواهران و کاردانش آموزان دختر را هم به عهده ایشان گذاشتند. فعالیت خانم دباغ بیشتر در زمینه برپایی کارهای اردویی، عقیدتی و تعلیم مربیان تربیتی بود؛ مثلاً مربیان

۱. اسناد ساواک، سند شماره ۳۴۵۰/۳۸۴-۵۰۴۳، تاریخ ۱۳۳۷/۴/۶.

بی‌شماری می‌آمدند و زیردست ایشان تعلیم می‌دیدند؛ بعد روانه مدارس آموزش و پرورش می‌شدند تا به‌عنوان معلّم تربیتی به فعالیت بپردازند. این فعالیت‌ها ابتدا در سطح استان تهران بود، اما بعدها که گسترش پیدا کرد و کشوری شد؛ ایشان مسئولیت امور تربیتی خواهران را در سطح کشور به عهده گرفتند، کم‌کم با جلو رفتن و ضرورت به وجود آمدن بسیج دانش‌آموزی، فعالیت کردن در زمینه بسیج دانش‌آموزی هم به فعالیت‌ها اضافه شد. ایشان مسئول بسیج دانش‌آموزی دختران را بر عهده گرفتند که با توجه به آن تعلیمات نظامی خوبی که دیده بودند، در آن مهارت داشتند، از عهده این قضیه برمی‌آمدند که سرانجام مربیان زن کارآمدی از اردوگاه شهید باهنر بیرون آمدند، تمامی آن‌ها نزد این بزرگوار تعلیم دیده بودند، این فعالیت‌ها تا سال ۱۳۵۹ ادامه داشت؛ در آن سال‌ها که فعالیت‌های بسیج تا حدودی گسترش یافته بود، بازهم گروه‌هایی را برای تعلیم دادن جذب کرده بودند (شفیعی، صص. ۲۹۳-۲۹۰).

بعد از انجام وظیفه به‌عنوان مسئول مسائل تربیتی خواهران در وزارت آموزش و پرورش استان تهران، تقریباً از دهه ۶۴ به بعد بود که علاوه بر دانشگاه علم و صنعت در مدرسه عالی شهید مطهری به تدریس واحد معارف اسلامی پرداخته است؛ (کاظمی، ص. ۱۷). اینک در عصر جمهوری اسلامی شاهد گرایش این جوانان به مراسم مذهبی و عبادی، سوگواری ماه‌های محرم و صفر، احیای شب‌های قدر، خودباوری علمی و رعایت بسیاری از شئون اخلاقی هستیم که روزه‌روز رو به فزونی است. در دانشگاه‌ها نیز نمازگزار و اعتکاف‌کنندگان دانشجوی، علم و ایمان را توأمان به نمایش می‌گذارند (حسینیان، ۱۳۸۱، ص. ۷۷۸).

۴-۸. ایجاد مؤسسه‌ی فرهنگی رایحه فاطمه (س)

موسسه فرهنگی، پژوهشی، هنری رایحه فاطمه (س) فعالیت خود را از سال ۱۳۷۲ آغاز نموده و عمده‌ترین اهداف آن: الف- اشاعه ارزش‌های اسلامی و ارتقاء سطح فرهنگی دختران و زنان خانه‌دار. ب- تقویت باورهای دینی زنان خانه‌دار. ج توسعه مهارت‌های اجتماعی- غنی‌سازی اوقات فراغت خانواده‌ها است. کلیه درآمدهای موسسه فرهنگی رایحه، صرف حمایت از خانواده‌های محروم زن سرپرست و فرزندان یتیم بنیاد نیکوکاری رایحه می‌گردد. بنیاد نیکوکاری رایحه در جهت رسیدن به اهداف زیر می‌کوشد:

- حمایت از خانواده‌های زن سرپرست تا رسیدن به خودکفایی

- توانمندسازی زنان سرپرست خانوار

- ارتقاء تحصیلی دانش آموزان مستعد و نیاز.^۱

با توجه به نقش مدیریت معنوی خانم دباغ، در رابطه با این فعالیت فرهنگی باید گفت، چون شهرک اکباتان از سری مجتمع‌های مسکونی است که به لحاظ ماهیت شهرک‌سازی، با توجه به اهداف و سیاست‌های خاص رژیم گذشته، به‌منظور ترویج و اشاعه فرهنگ غربی ساخته شده بود؛ دخترخانم ایشان در آنجا ساکن بودند، شاید اولین سفره‌ای که در ماه مبارک رمضان در آن شهرک گسترده شد؛ موجب تجمع خواهران مذهبی و متعهد گردید، در منزل این دخترخانم و با درایت و مدیریت خانم دباغ بود. آن جلسه و سفره مقدمه‌ای برای ایجاد مؤسسه‌ی فرهنگی «رایحه فاطمه (س)» شد؛ بعدازآن با مساعدت خانم دباغ، زمین این مؤسسه و مقداری پول از جاهای مختلف تأمین شد. به‌رحال بازهم نقش آغازگری و مدیریت معنوی را ایشان داشتند. ناگفته نماند درایت و مدیریت مادر خانم دباغ «فاطمه احمدی» نیز بسیار بالابود، ایشان فردی بسیار مقید و متعهد بودند. در اکباتان جلسه‌ای تشکیل شد که مادر خانم دباغ در ضمن آن جلسه قرائت قرآن بر پا می‌کردند؛ که بدون هیچ اختلافی موردقبول همه بود. طبیعی است که در این مادر چنین دختری (مرضیه) پرورش یابد. مادر خانم دباغ (خانم احمدی)، نیز در مؤسسه رایحه فاطمه (س) به‌طور مرتب و دائم فعالیت می‌کردند، معاونت آموزش آن مؤسسه را بر عهده داشتند (شفیعی، صص. ۲۸۶ و ۲۷۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به سؤال پژوهش که نقش مدیریتی خانم مرضیه دباغ در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت با تأکید بر نقش مدیریت معنوی ایشان چه بوده است؛ نتایج نشان می‌دهد که ایشان هم قبل و هم بعد از انقلاب اسلامی، در داخل و خارج از کشور، با مدیریت معنوی و موفق خود، این عرصه مهم را خالی نگذاشته‌اند. قبل از انقلاب باهدف استقرار حکومت اسلامی، مبارزه با رژیم فاسد پهلوی به انجام فعالیت‌هایی فرهنگی چون: کسب علم و دانش از محضر اساتید

۱. مؤسسه فرهنگی رایحه فاطمه (س) / <http://rayehfatemeh.blogfa.com/>

برجسته که نشان‌دهنده این است که زمینه رشد و بلوغ فکری او از بستر مورداطمینان و چهره‌های نخبه اسلامی و سیاسی جامعه بوده‌اند؛ تدریس کلاس‌های قرآنی و تفسیر بیانگر این است که ابزار غیرمستقیم ایشان برای مبارزه سیاسی، همین فعالیت‌های فرهنگی بوده است؛ چراکه تا دیدگاه یک جامعه تغییر نکند، بدون حمایت همگانی نمی‌تواند به مقابله با ظلم بپردازد.

تلاش جهت تبلیغ و تکریم مقام شهیدان در این راستا بوده که برگزاری این مراسم باهدف افشای مظالم رژیم پهلوی بوده است که می‌توان از طریق مساجد و حسینیه‌ها به‌عنوان نماد فرهنگی علیه ظلم استفاده کرد. پخش اعلامیه و سخنرانی‌های فرهنگی حضرت امام خمینی (ره)، برای رساندن فریاد حق‌خواهی مرجع اعلم و از همه مهم‌تر ولی‌فقیه به گوش جهانیان بوده است. انجام تبلیغ مربوط به مناسک حج نشان می‌دهد که مهم‌ترین عرصه‌ها برای تبلیغ اسلام و آرمان‌های حق‌خواهی در راستای مدیریت معنوی، در مکان‌های فرهنگی اسلامی است؛ زیرا روحيات و ذهنيات آماده پذیرش حرف حق و خدامحوری است.

بعد از انقلاب ایشان با ادامه روند مدیریت معنوی خود، در جهت همین فرهنگ‌ایثارگری و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و امام‌راحلان نیز دست به انجام فعالیت‌هایی چون: هدایت و راهنمایی عاطفی و اخلاقی در زمینه تشویق افراد برای حضور در جبهه، رسیدگی به نیازمندان و خانواده‌های انقلابیون که نشان‌دهنده توجه این زن مبارز به ارزش‌هایی چون انسان‌دوستی و کمک به نیازمندان است. از طرفی انجام فعالیت‌هایی چون: مبارزه با کجروی‌های اخلاقی، نشان‌دهنده توجه این بزرگوار به مسئله امربه‌معروف و نهی از منکر است.

مسئولیت بسیج خواهران کل کشور نیز بیانگر این است که این بزرگوار برای حفظ پایگاه انقلاب خواهران را نیز در این عرصه بسیج کرده است. چراکه مبارزه زن و مرد نمی‌شناسد. تدریس در دانشگاه‌های علم و صنعت و مدرسه عالی شهید مطهری بیانگر این است که جامعه ما به‌ویژه قشر دانشجویان به آموزه‌های این انسان مبارز و انقلاب‌نیازمند هستند. اینکه ایشان در حین مبارزه از عرصه‌های فرهنگی به‌ویژه مسئله آموزش و پرورش غافل نبودند. نقش قائم‌مقامی جمعیت زنان که داشت، نشان‌دهنده اهمیت دادن این بزرگوار به مسئله و حقوق زنان است؛ که در این جمعیت فعالیت‌های فرهنگی را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. چراکه در کنار

رسیدگی به مشکلات زنان، آن‌ها را وارد عرصه‌های اسلامی در رابطه با مسئله حجاب و اعتقادات اسلامی و مبارزه با فرهنگ غربی کرده است. انجام دیگر فعالیت‌هایی چون برگزاری کلاس‌ها و سخنرانی‌های فرهنگی و حتی اردوهای تربیتی، بیانگر این است که حتی بعد از انقلاب نیز از طریق فن بیان خود حتی در مواقع بحرانی در پاوه و سایر مراکز چون کلاتری-ها، مجلس و غیره، با انگیزه هدایت و راهنمایی اخلاقی، مبارزه با سازمان‌های منحرف و التقاطیون و غیره پرداخته است. در رابطه با تشکیل کمیته انقلاب اسلامی ایشان همان روزهای اول انقلاب برای سازمان‌دهی و ایجاد نظم و امنیت جامعه، با عضویت در این کمیته فعالیت فرهنگی خود را شروع کرد. در نهایت ایجاد مؤسسه‌ی فرهنگی رایحه فاطمه (س)، در جای خود در گسترش افکار اسلامی و مقابله با انحرافات فرهنگی مؤثر بود.

در نتیجه ایشان در هیچ دوره‌ای از زندگی‌شان ضوابط را فدای روابط نکرده‌اند؛ علیرغم اینکه شخصیتی قابل قبول و احترام برای همه مسئولین نظام بوده‌اند، با مدیریت معنوی خود، در جهت حفظ فرهنگ اسلامی زحمات زیادی را متقبل شدند. سرانجام خانم دباغ در ارتباط با دیگر مبارزان مذهبی با نقش‌آفرینی در عرصه فرهنگی توانست موجب آگاهی و بیداری مردم و جوانان شده و موج حمله شاه و طرفداران رژیم به مبانی دینی و اسلامی که سال‌ها با گوشت و خون مردم آمیخته شده بود، آن‌ها را به واکنش‌های سیاسی و تند که ناشی از ارزش‌های فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی است، سوق دهد. در واقع فعالیت‌های فرهنگی زمینه حرکت و بسیج سیاسی مردم را فراهم کرد. شاید بتوان این فعالیت‌ها را مهم‌ترین نمود ظاهری فرهنگ ایثار و شهادت دانست؛ که در کنش‌های سیاسی همچون، تظاهرات و مبارزات مسلحانه و کنش‌های فرهنگی چون کتاب و سخنرانی نمود پیدا کرد و به تدریج موجب نابودی رژیم پهلوی شد.

پس به‌طور کلی ایشان در حوزه مدیریت معنوی به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های فرهنگی بانوی اسوه‌ای هستند؛ که ویژگی‌های پسندیده و والایی نظیر اخلاق و رفتار نمونه، اندیشه متعالی، عبودیت خالص و غیره؛ برخوردارند. ایشان با وجود مشغله‌های کاری زیاد و متنوع، در عین حال از مشکلات خانواده و مردم نیز غافل نبوده است؛ پیرو بی‌توقع خالص امام (ره)، هدفش نیز کمک برای پیاده کردن اسلام ناب محمدی بوده است. همچنین به لحاظ اجتماعی - فرهنگی، در جلساتی که ترتیب داده می‌شد با پوشش کاملاً اسلامی و شایسته یک زن مسلمان شرکت

کرده و به سخنرانی و کارهای تبلیغاتی می‌پرداخت که در آن شرایط این‌گونه عمل کردن تأثیر فراوانی داشت؛ بنابراین می‌توان خانم دباغ را یک زن نمونه و الگو در دوره معاصر به‌ویژه در عرصه مدیریت معنوی دانست.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: نویسندگان به تنهایی تمام مقاله را نوشته‌اند.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- احمدی، معصومه و محمد قربان زاده (۱۳۹۰). ادب انبیاء در قرآن، پایان‌نامه دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه.
- احمدوند، فاطمه و مونا اسکندری (۱۳۹۲)، زنی از تبار الوند: گذری بر سفر خانم دباغ به شوروی سابق و ابلاغ پیام حضرت امام (ره). همدان: چنار.
- اعتماد، صادقه و محمد حسین ذوالفقاری (۱۳۹۳). پایان‌نامه دانشگاه جامعه الزهرا. حوزه علمیه خواران قم.
- اصغری، محمود (۱۳۸۵). «مبانی دین و توسعه در اندیشه‌ی شهید مطهری». پژوهش‌های اجتماعی - اسلامی، ش ۵۷.
- اکبری، محسن و محمدمهدی گرجیان (۱۳۹۲). اصول و مبانی احتجاج و اقناع در متون دینی با تأکید بر قرآن کریم. پایان‌نامه دانشگاه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

- بهادری فر، سمیه؛ رحیم خستو، مجید توسلی و احمد ساعی (۱۴۰۰)، «واکاوی تجربه زیسته مرضیه حدیدچی دباغ و نقش عاملیت فردی او در کنشگری سیاسی نظامی». فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۸ (۳۰)، صص ۳۲-۷.
- بهرامی، معصومه و سید حسن شفیعی دارابی (۱۳۹۵). اهداف و نکته‌های تربیتی در تمثیلات قرآنی. دانشگاه جامعه الزهراء، حوزه علمیه خواران قم.
- مهدوی یکتا، پروین و اصغر اخوی (۱۳۹۷). نقش الگو در تربیت از منظر قرآن کریم و علوم تربیتی. پایان‌نامه دانشگاه جامعه الزهراء. حوزه علمیه خواران قم.
- رئیسی، رضا (۱۳۸۷). خواهر طاهره (خاطرات خانم مرضیه‌ی حدیدچی «دباغ»). تهران: نشر عروج.
- رنج دوست، شهرام (۱۴۰۰)، همبستگی مدیریت معنوی با نوآوری و عملکرد سازمانی پرستاران، «نشریه پژوهش در دین و سلامت»، ش ۲۶. صص ۱۲-۲۲.
- حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۱). بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران ۱۳۴۰-۱۳۲۰. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حیدری، سجاد و حسن ستوده (۱۳۹۱). سیمای زنان نیک و بد در قرآن. پایان‌نامه دانشگاه جامعه المصطفی‌العالمیه.
- سجادی، طاهره (۱۳۸۳). خورشید واره؛ خاطرات طاهره سجادی «غیوران». تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شفیعی، عالیه (۱۳۸۵). پرواز با نور؛ دو روایت از زندگی خانم مرضیه‌ی حدیدچی (دباغ). خاطرات و مبارزات. تهران: نشر عروج.
- عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۷۹). اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آن. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. حوزه علمیه.
- زاهد، غفاری هاشجین و زهرا حیدری (۱۳۹۳). نقش خانم مرضیه دباغ در عرصه‌های فرهنگ ایثار و شهادت. قم: جباری.

- فرهنگی، علی و سید جمال‌الدین دین‌پرور (۱۳۹۲). تأثیر الگو در سعادت‌مندی انسان با تکیه بر نهج‌البلاغه. پایان‌نامه دانشگاه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- کاظمی، محسن (۱۳۸۷). خاطرات مرضیه‌ی حدیدچی (دباغ). تهران: انتشارات سوره‌ی مهر.
- مراد حاصلی خامنه، اعظم (۱۳۸۶). تاریخ شفاهی مبارزات سیاسی زنان مسلمان (۱۳۵۷-۱۳۴۲). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرتضوی. سید ضیاء (۱۳۸۷). زنان، ایثار، شهادت در دوره معاصر. «مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی». ۱ (۴).
- نصری، محسن (۱۳۹۰). ایران؛ دیروز، امروز، فردا (تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران)، قم: دفتر نشر معارف.
- Mintzberg, Henry (2004), Managers, not MBAs: a hard look at the soft practice of managing and management development, Berrett-Koehler, pp.464, ISBN 5-275-57675-1.
- Muwahed K. (2007), Spiritual management is a successful experience in the Islamic Republic of Iran, the first national conference on the Iranian Spiritual Culture and Management.